استکبار از نگاه امام خمینی (ره)



قدرت ا عفتی

استکبار از ریشه کبر، در لغت به معنای خود بزرگ پنداری، برتری جویی، عدم پذیرش حقیقت و گردن کشی در مقابل واقعیت آمده است.(لسان العرب، ج 12/ 13؛ لغتنامه دهخدا، ج 2/ 1843 ؛ فرهنگ بزرگ جامع نوین ج 2/1685)

این صفت برای انسان ناپسند است، در قرآن صفت برتری و بزرگی برای خداوند آمده است:"هُوَ اللَّهُ الَّذی لا إِلهَ إِلاَّ هُوَ الْمَلِکُ الْقُدُّوسُ السَّلامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَیْمِنُ الْعَزیزُ الْجَبَّارُ الْمُتَکَبِّرُ سُبْحانَ اللَّهِ عَمَّا یُشْرِکُونَ". (حشر /23)

اوست خدایی که جز او معبودی نیست؛ همان فرمانروای پاک سلامت[بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقّه خود که] نگهبان، عزیز، جبّار [و] متکبّر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند.

حضرت علی (ع)فرموذ: الحمد الذی لبس العزّ و الکبریاء و اختارهما لنفسه دون خلقه.(نهج البلاغه، خطبه القاصعه/ 192)

ستایش خداوندی را که عزت و کبریایی را فقط برای خودش قرار داده است و کسی شایسته آن نیست.

این صفت فقط برای خداوند، حقیقت و پسندیده است. و برای غیر خداوند صفتی غیر واقعی و ناپسند است.

صفات کبر، تکبر و استکبار اگر برای انسان باشند هر سه موردش دارای یک مفهوم می شود. که دارنده این صفت، به جای اصالت خداوند، خود را قرار می دهد، امام خمینی می فرماید: مستکبر از روی غرور و کبر در مقابل فرمان الهی استکبار می ورزد و سرکشی می کند؛ صفت استکبار در مقابل صفت استسلام به معنای فروتنی در برابر خداوند است.(شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص 398)

فرد مستکبر بخاطر غرورش در مقابل حقیقت قرار می گیرد، غرور، بدترین نوع صفات است چون تمام راههای منتهی به واقعیت را می بندد و انسان را بسوی ضلالت می کشاند.(تفسیر نمونه، ج 11، ص 194) شیطان که سر سلسله مستکبران است به دلیل همین صفت استکباریش بود که از فرمان الهی برای سجده بر آدم، سر باز زده است.(اعراف/ 11- 13)

این عمل(صفت) شیطان در ظاهر مخالفت با فرمان الهی بود، ولی در باطن عجب و استکبارش بود که در مقابل فرمان الهی ایستاد، همین صفت استکباری شیطان موجب طردش از درگاه الهی شد؛ باید بدانیم که شیطان خصوصیتی ندارد، هر کس این صفت را داشته باشد مطرود می گردد.(آداب الصلاة، 206 و 235)

علت پیدایش استکبار

کسی که در درونش منکر حقیقت باشد، مستکبر است هر چند که به زبان نیاورد. قرآن می فرماید:" فَالَّذینَ لا یُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَه قُلُوبُهُمْ مُنْکِرَه وَ هُمْ مُسْتَکْبِرُونَ".(نحل / 22)

کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دلهایشان انکارکننده حقیقت است و خودشان مستکبرند.

فرد مستکبر نسبت به دیگران خود پسندی می کند و این خودپسندی و غرور عامل پیدایش استکبار در او

است. در واقع استکبار، بیماری غرور و برتری جویی است که در خارج به صورت طغیان و به استضعاف کشاندن دیگران بروز می کند. مستکبر دیگران را به فقر می کشاند تا از فقر آنها به نفع خود بهره گیرد، یعنی استکبار از جهل و فقر دیگران بوجود می آید و از همین جهل و فقر مردم ارتزاق می کند، تا جایی که مستکبر، خود را در این مسیر گم می کند و از آن پس شعورش را در خدمت شهوتش قرار می دهد و خداوند را فراموش می کند؛ و از هوای نفسش پیروی می کند که سبب زایش ملکه استکبار در درون جانش می گردد؛ این فرد علی رغم شایستگی ها و ارزشهای والایی که می تواند داشته باشد، به ضد خداوند و دشمن بشر مبدل می گردد؛ برای همین است که اساس دعوت انبیاء عبودیت حق یعنی مبارزه با ریشه استکبار است.(خاتمی، مطبوعات ایران 1343 – 1353، ص 93، 80 و 81)

استکبار فردی

وقتی صفت استکبار در درون جان انسان بوجود آمد و ملکه وجودش شد، به دو نوع ظهور و بروز پیدا می کند، یک نوع آن باطنی و خُلقی است که در نفس انسان ریشه می دواند و بینش انسان را شکل می دهد، این فرد دیگر حقیقت را نمی پذیرد و کسی که حقیقت را نمی پذیرد استکبار باطنی و اخلاقی دارد. قرآن می فرماید:" ثُمَّ أَدْبَرَ وَ اسْتَکْبَرَ فَقالَ إِنْ هذا إِلاَّ سِحْرٌ یُؤْثَرُ". (مدثر / 24 و 23)

آنگاه پشت گردانید و تکبّر ورزید، و گفت: «این [قرآن] جز سحری که [به برخی] آموخته اند نیست. نوع دوم استکبار فرد، استکبار در خارج از خودش است، کسی که روحاً استکبار می ورزد در خارج نیز استکبار می کند و مردم را به استضعاف می کشاند.(مجموعه آثار شهید مطهری،فلسفه تاریخ در قرآن، ص 911 و 912) در واقع نوع دوم استکبار در کردار و رفتار مستکبر ظاهر می شود و منش مستکبر را شکل می دهد. (محجه البیضاء، ج 6، ص 228/ احیاء العلوم الدین، ج3، ص 500/ خاتمی، مطبوعات ایران 1343 – 1353 ص 63) کسی که تمام ظاهر و باطنش را صفت استکبار فرا بگیرد، او خود و خدایش را فراموش می کند، قرآن می فرماید:" وَ لا تَکُونُوا کَالَّذینَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْساهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولئِکَ هُمُ الْفاسِقُونَ".(حشر / 19)

کسانی هستند که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خود فراموشی کرد؛ آنان همان فاسقان هستند.

امام خمینی می فرماید: افراد مستکبر از شنیدن آیات الهی دوری می کنند لذا استکبارشان روز افزون

می شود.(آداب الصلاة، ص 201) و به خصلت های منفی کشیده می شود تا جایی که دست به جنایت علیه دیگران می زنند. بفرموده قرآن اینها با وجود داشتن چشم، گوش و قلب، نمی بینند، نمی شنوند و نمی فهمند و از حیوان پست تر می شوند:" لَهُمْ قُلُوبٌ لا یَفْقَهُونَ بِها وَ لَهُمْ أَعْیُنٌ لا یُبْصِرُونَ بِها وَ لَهُمْ آذانٌ لا یَسْمَعُونَ بِها أُولئِکَ کَالْأَنْعامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ".(اعراف / 179)

آنهایی که قلب دارند ولی با آن [حقایق را] دریافت نمی کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی بینند، و گوشهایی دارند که با آنها نمی شنوند. آنان همانند حیوان هستند بلکه گمراه ترند. آنها همان غافل ماندگانند.

امام خمینی می فرمود: آنها که بر استکبارشان عناد دارند شقی هستند و آنها که علاوه بر عناد برای ابطال حق دلیل می آورند و اشکال تأسیس می کنند کل شقاوت هستند که در مقابل سعادت عقلی است.(تقریرات فلسفه، ج 3، ص 478 و 481) انبیاء علیهم السلام آمدند تا با استکبار درون و آثار و لوازمش، یعنی استکبار حقیقی بیرون مبارزه کنند تا انسان را از شقاوت به سعادت هر دو جهان برسانند و این همان جهاد اکبر است.

استکبار اجتماعی

همانگونه که استکبار فردی از درون جان انسان بر می خیزد، استکبار اجتماعی از درون جامعه بر می خیزد. استکبار اجتماعی نیز به دو نوع در اجتماع بروز می کند؛ یک نوعش استکبار اقتصادی است که نمونه قرآنی اش قارون است:" إِنَّ قارُونَ کانَ مِنْ قَوْمِ مُوسی فَبَغی عَلَیْهِمْ وَ آتَیْناهُ مِنَ الْکُنُوزِ ما إِنَّ مَفاتِحَهُ لَتَنُوأُ بِالْعُصْبَه أُولِی الْقُوَّه".(قصص / 76)

قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد، و از گنجینه ها آنقدر به او داده بودیم که حمل کلید های آنها بر مردان نیرومندی سنگین بود.

نوع دوم آن استکبار سیاسی - اجتماعی است که نمونه قرآنی اش فرعون است:"إِنَّ فِرْعَوْنَ لَعالٍ فِی الْأَرْضِ وَ إِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفینَ.(یونس / 83)

در حقیقت، فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسراف کاران بود.

در این عصر نیز، هر دو نوع استکبار وجود دارد. الآن نیز عده ای با شعار رفاه و آسایش که جنبه اقتصادی دارد، وارد اجتماع می شوند و مردم فقیر را با وعده زندگی راحت تر، با خود همراه می کنند. این افراد با پیروی از هوای نفس خویش، به قانون اقتصادی کشور تجاوز می کنند و دیگران را به انزوای اقتصادی و استضعاف می کشانند که بارزترین نمونه امروزی آن شرکت های هرمی است.

نوع دوم استکبار اجتماعی حاکمان مستبد هستند. آنهایی که با تجاوز به قانون سیاسی – اجتماعی کشور، دیگران را به انزوا می کشانند و مستبدانه بر جامعه حاکم می شوند. نمونه بارز امروزی آن، حاکمیت های است که با کودتا حکومت را در دست می گیرند.

با این وجود استکبار اقتصادی و سیاسی- اجتماعی زاییده گردن کشی و قانون شکنی است. منطق این مستکبرین، تکبر بر دیگران است، و ضعف قانون و حاکمیت علت اصلی توسعه این دو نوع استکبار در اجتماع است.(مستضعفین و مستکبرین از دیدگاه قرآن و عترت، ص 125 و 128)

کسی که با گردن کشی و تجاوزگری مأنوس شد، خود و خدایش را فراموش می کند و خود را حقیقت می پندارد و خود را برتر از دیگران می بیند، لذا علم ، قدرت ، مکنت و... را برای خودش می داند و با ایجاد نظام های اقتصادی، سیاسی - اجتماعی مستکبرانه دیگران را به استضعاف می کشاند. امام خمینی می فرمود رژیم پهلوی، نماد استکبار بود که به ملت تعدی و تجـــاوز می کرد.(صحیفه امام، ج 7 ، ص 489) تا اینکه مردم با انقلاب او را بیرون کردند.

این پایان حضور استکبار نبوده و نیست، استکبار هرگز هیچ جامعه ای را راحت نخواهد گذاشت. جامعه ما نیز مستثنی نیست. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مستبدان و مستکبران همراه با هواپرستان و قدرت طلبان، با شعارهای انقلابی و اسلامی وارد میدان شدند تا با تکیه بر ظاهر دین و عوام فریبی در بین مردم مقبولیت بیابند و مردم را که قدرت اصلی انقلاب هستند با خود همراه کنند؛ آنها چنان رفتار می کنند که مخالفین آنها، مخالف اسلام و انقلاب دانسته شود تا بتوانند با تکیه بر مردم، بار دیگر به قدرت برسند. امام خمینی در هشداری به ملت ایران فرمود آنهایی که تا دیروز مبارزه با شاه را حرام کرده بودند، حالا انقلابی تر از انقلابیون شدند و ندای وا اسلاما سر داده اند.(همان، ج 21 ، ص 281)

اینها نه درد دین دارند و نه قصد خدمت به مردم، بلکه فقط برای رسیدن به قدرت، از راه دین وارد می شوند تا به مقصد خودشان برسند.

استکبار بین المللی

استکبار جهانی، زمانی شکل گرفت که کشورهای صنعتی برای دست یابی به منابع مورد نیاز خود و فروش کالاهای تولیدیشان، با اسم پیشرفت و آبادانی وارد کشورهای غیرصنعتی در آسیا و آفریقا شدند و با برتری جویی و خودپسندی خویش به فکر تسلط بر منابع فراون آن کشورها افتادند. آنها از ضعف و جاه طلبی حاکمان کشورهای فقیر استفاده کرده، به استثمار آن کشورها دست زدند و آنها را به استضعاف کشاندند و با اسم نوسازی، هویت، تاریخ و فرهنگ ملت ها را به نابودی سوق دادند. امام خمینی در این باره می فرمود در این صد سال اخیر که پای کشورهای بزرگ جهان خوار بر کشورهای اسلامی کوچک باز شد، حاکمان کشور های اسلامی در فکر ملتشان نبودند، اگر کاری کردند برای منافع خود و مرفهین جامعه کردند، آنها همراه با استکبار جهانی دست به چپاول کشور زده بودند.(همان، ج 21 ، ص 448) ایشان می فرمود در واقع استکبار از راه بی توجهی حاکمان و منصوبان آنها بر مصالح کشور حاکم شدند و در ایران با دستان رژیم پهلوی بر ما حاکم شدند.(همان، ج 17 ، ص 304) ابن خلدون می نویسد: کشوری که مستعمره استکبار شد و به کشور استکباری متکی گردید، عملاً ابزاری برای استکبار شده و به ذلالت کشیده می شود. (مقدمه ابن خلدون، ج 1 ،ص 283) در این عصر چپاول استکبار بین المللی، هر روز به شکل جدیدی در می آید؛ ملتها باید بیدار شوند تا با انقلاب، استبداد و استعمار را بیرون کنند، البته باید بدانیم که استکبار خیلی موزیانه عمل می کند او با اسم های مختلف ملت ها را مطالعه می کند تا همیشه، قبل از حرکت ملت ها سیستم استکباری خود را نوسازی کند.

زمانی که ملت ها بیدار می شوند، استکبار، با استعمار نو، یعنی با سیستم های نظامی، سیاسی، اقتصادی و بین المللی که در اختیار دارد و براساس همین سیستم ها نبض زندگی اجتماعی بشر امروزی تعریف شده است، وارد عمل می شود تا ملت ها را در درون و بیرون مرزها به بند کشاند. هر چند که استکبار بین المللی ذاتاً جهانی و جهانخواری است اما توسعه دامنه سلطه و وابستگی به او ، بستگی به میزان قدرت و اقتدارش دارد که با تکیه بر نیروهای اقتصادی، سیاسی، نظامی با زرادخانه های هسته ای و تکنولوژیهایی که در خدمت گرفته، همه نوع سلطه استکباری را فراهم می کند.(خاتمی، مطبوعات ایران 1343 – 1353، ص 72 و 73) در این زمینه یعنی استعمار نوین، کشور عزیز ما مستثنی نیست؛ امام خمینی می فرمود: استکبار از همه کمین های نظامی، اقتصادی، سیاسی حمله می کند.(صحیفه امام، ج 21، ص 89) باید همیشه و همه جا هوشیار باشیم و تکنیک هایمان را بروز کنیم تا بتوانیم در مقابل

استکبار جدید بایستیم.

باید بدانیم که جدیدترین نوع استکبار، برای چپاول ملتها، استکبار فرهنگی است. و این استکبار زمانی شکل گرفت که ملت های در تحت ستم استکبار، برای رهایی از چنگال استکبار، به سوی فرهنگ و مکتب خویش روی آوردند. در همین زمان استکبار جهانی با معنای کلاسیکش (توسعه قدرت) وارد میدان شد.او برای بقای خود مکتب هایی را ایجاد و به جامعه عرضه کرد تا مردم را از درون تهی کند؛ انسان تهی شده راحت تر خود را گم می کند و از منشأ خود بیگانه می شود و با دور افتادن از حقیقت خویش، در باطل غرق می گردد. در واقع استکبار در این دوره، برای تداوم حیاتش، خود را به شکل نظام فکری و ارزشی بر بشریت تحمیل نمود، با این برنامه تصرف آب، خاک و هوا مطرح نیست، بلکه تصرف منابع و سرمایه های معنوی مطرح هست. (مطبوعات ایران 1343 – 1353، ص 66 ، 73 و 74، و نقش امام در مبارزه با استکبار، ص 38)

استکبار فرهنگی به آب و خاک حمله نمی کند، او به فرهنگ جامعه که هویت مردم است حمله می کند، و با خواب مصنوعی برای ملت ها، سلطه استکباریش را با دست مردم همان کشورها پهن می کند، یعنی بوسیله تزریق فرهنگ خود، وابستگی فرهنگی را ایجاد می کند. امام خمینی در مورد این نوع وابستگی می فرمود وابستگی فرهنگی که بزرگ ترین وابستگی و سر چشمه همه وابستگی ها است را بر مردم تحمیل می کند.(صحیفه امام، ج 10 ،ص 79) ملت ها باید با دقت، حیله و فریب استکبار را بشناسند و آن را خنثی کنند.(همان، ج 21، ص 121) یعنی همان کاری که انبیاء برایش مبعوث شدند را انجام بدهند. آنها آمدند تا استعدادها را شکوفا کنند، تا مستضعفین را از تحت سلطه استکبار بیرون آورند.(همان، ج 17، ص 527) امروزه بزرگترین سلطه، سلطه فرهنگی است که باید تلاش کرد از تحت این سلطه خارج شد، برای رهایی از این سلطه باید به فرهنگ خود بازگشت تا با احیای هویت فرهنگی خود از چنگال استکبار خلاص شد.

نقشه استکبار برای رسیدن به مقصدش، در هر جامعه ای، این است که فرهیختگان برجسته‌اش را کنار می زند تا دانش آموختگان فرهنگش و پرورش یافته گان مکتبش را بر اجتماع مسلط کند.(مقدمه ابن خلدون، ج 1، ص 355)امام خمینی در این باره می فرمود برای شکست انقلاب اسلامی ایران، از راه مقدس نماهای حوزه و دانشگاه وارد شدند تا با تزویر آنها ، محتوای اسلام را از درون نابود کنند.(صحیفه امام، ج 21، ص 87) از روحانیون انقلابی و مبارز شکست خورده اند، از روحانی نماهایی که تا حد مرجعیت تقویتشان نموده اند استفاده می کنند.چون تمام ترس استکبار، از عملی شدن فقه و اجتهاد راستین اسلام است. (همان، ص 287 و 289)

مبارزه با استکبار

استکبار بین المللی علاوه بر تسلط فیزیکی، با مبانی فلسفی خود، مکاتبی برای زندگی اجتماعی ایجاد نمود و به آن، نظام فکری و ارزشی بخشید و در سراسر دنیا فعالانه حضور یافت، و همه دنیا را با رنگ و لعاب زندگی و رفاه ساختگی به منجلابی فقر کشانده تا خودش به رفاه برسد. برای مبارزه با این دشمن جهانی باید با اندیشه‌ای جهانی مسلح شد.

اسلام دینی جهانی با زبان فطرت بشری است:" فَأَقِمْ وَجْهَکَ لِلدِّینِ حَنِیفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِی فَطَرَ النَّاسَ عَلَیْها لا تَبْدِیلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذلِکَ الدِّینُ الْقَیِّمُ وَ لکِنَّ أَکْثَرَ النَّاسِ لا یَعْلَمُونَ"(روم / 30)

پس روی خود را با گرایش تمام به حقّ، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشت آفریده است. آفرینش خدای تغییر ناپذیر است. این همان دین پایدار است، ولی بیشتر مردم نمی دانند.

اسلام دینی است که برای زندگی آمده است.(ولایت فقیه، ص 11 و 10) همه برتری ها در اسلام وجود دارد، ولی تنها داشتن برتری ها کافی نیست، دین برتر باید توسط رهبر قوی به صورت کامل و جامع معرفی گردد، و مبارزاتش با استکبار دارای بار فرهنگی و ارزشی گردد. و مسیر مبارزه، برای حاکمیت فضیلت انسان تبیین شود، تا پیروانش در مقابل استکبار بین المللی بایستند.

انبیاء الهی برای دست یابی به مبارزه ای با این وسعت، اول مبارزه با استکبار درون، یعنی جهاد با نفس که ریشه استکبار است را انجام می دادند و بعد به لوازم و آثار استکبار نفس که همان استکبار اجتماعی و جهانی است می پرداختند. امام خمینی می فرمود: انبیاء آمدند تا بشر را از اسارت نفس نجات دهند.(صحیفه امام، ج 17، ص 527) تمام جهادهای دنیا تابع همین جهاد است.(تفسیر سوره حمد، ص 123) وقتی انسان در مبارزه با استکبار درون پیروز شد می تواند خود را از اسارت ستمگران نجات دهد.(صحیفه امام، ج 17 ،ص 527) هدف تمام انبیاء، مبارزه و ریشه کن نمودن استکبار بود.(همان، ج 15، ص 507)

امام خمینی با این اندیشه، به وسیله قاعده نفی سبیل:"لَنْ یَجْعَلَ اللَّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلاً"(نساء / 141)(خداوند هرگز بر [زیان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلّط]

قرار نداده است) تمام مظاهر استکبار را نفی نمود(کتاب البیع، ج2، ص 720- 721) و با آن به مبارزه برخاسته است.

اولین سند مبارزات سیاسی و تاریخی در صحیفه امام، علیه استکبار اجتماعی و بین المللی، پیام دعوت قیام برای خدا است که در 15 اردیبهشت 1323 شمسی آن را صادر نمودند و در این پیام، قیام برای خدا را، تنها راه اصلاح هر دو جهان دانسته اند، و قیام انبیاء علیهم السلام را در همین مسیر خواندند و مردم را برای قطع دست اجانب از این مملکت به قیام در راه خدا دعوت نمودند. (صحیفه امام، ج 1 ،ص 21 – 23)این مبارزات سیاسی– اجتماعی امام خمینی، در سال1341 با اعتراض به «مصوبه انجمن های ایالتی و ولایتی»، به صورت گسترده ادامه یافت و مردم را به میدان مبارزه کشاند.(همان ، ص 78) و این مبارزه سیاسی - اجتماعی در مسأله لایحه «کاپیتولاسیون» به مبارزه با استبداد داخلی و استکبار بین المللی تبدیل شد و اوج گرفت (همان ، ص 416- 415) که در نتیجه استبداد داخلی با پشتیبانی استکبار خارجی، ایشان را به خارج از کشور تبعید نمودند. ایشان در تبعیدگاهش (نجف اشرف) به مبارزاتش علیه استکبار وسعت بخشید.(همان، ج 2، ص 322) امام خمینی که دوران تبعید از عراق اخراج شد و به فرانسه رفت، برنامه مبارزاتی اش را تا قطع دست استکبار از کشور اعلام نمود.(همان، ج 4 ، ص 432) و هرگز از اهداف اصلی قیام عدول نکرد.ایشان برای رسیدن به حکومت جمهوری اسلامی، برای اجرای فرامین اسلام در جامعه، مبارزه با استبداد داخلی و استکبار بین المللی را هدف قرار داده بود. (همان، ج 5، ص 476) امام در این مسیر با ایمان راسخ الهی ایستاد تا پیروز شد و حکومت جمهوری اسلامی ایران را، بدون یک حرف زیادتر و یا کمتر. (همان، ج 6، ص 324) تشکیل داد.

بر اساس همین اندیشه جهانی اسلام و تبیین فرا منطقه ای امام خمینی، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سعادت تمام انسانها آرمان جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت، لذا مبارزه هر ملتی در سراسر دنیا مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار گرفته است.(قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران / اصل 154) و بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران قاطع ترین و جدی ترین دشمن سلطه استکبار در جهان شد.(چهار سال با مردم، ص 140)

استکبار جهانی علاوه بر راه اندازی جنگ هشت ساله و محاصره اقتصادی ایران، از راه تبلیغات وسیع با تمام توان وارد جنگ فرهنگی و تبلیغاتی با انقلاب اسلامی ایران شد.(چهار سال با مردم، ص 44) و انقلاب اسلامی ایران برای ایستادگی در مقابل تمام استکبار بین المللی، بر مبنای اسلام ناب محمدی (ص)، به مبارزاتش بار فلسفی و ارزشی داد، در واقع امام خمینی با ایجاد فرهنگ جهاد و مبارزه اسلامی و با تشکیل بسیج عمومی بر ضد استکبار جهانی برخاست و این مبارزه اسلامی، تا قطع طمع استکبار از کل

کشور را عبادات الهی خواند. (صحیفه امام، ج 19، ص 105) و اتحاد ملل اسلامی در مقابل استکبار جهانی را طرح نمود.(همان، ص 58، 61) و مردم را سفارش می نمود که هرگز سلاح مبارزه با استکبار را بر زمین نگذارند.(همان، ج 20، ص 38)

استکبار مانند همیشه، با تمام توان، تلاش می کرد تا از هر راهی، در بین مردم تفرقه ایجاد کند، و امام خمینی با هشدار های لازم و به موقع، مردم را از نقشه تفرقه انگیزانه آنها مطلع می‌کرد. (همان، ج 17 ،ص 326) و قدرت نظامی و سیاسی استکبار جهانی را مانند لانه عنکبوت سست و در حال فرو ریختن می خواند. (همان، ج 20، ص 319) و می فرمود هیچ وحشتی از شرق و غرب نداشته باشید و هرگز با آنها سازش نکنید و هر مقام مسئولی خواست با آنها سازش کند، بدون هیچ ملاحظه‌ای کنارش بگذارید، سازش با استکبار خیانت به اسلام و مسلمین است. (همان، ج 12، ص 148)

امام خمینی دامنه مبارزات عملی ایرانیان با استکبار جهانی را با برنامه برائت از مشرکین در ایام حج، به خارج از مرزهای ایران کشاند و آن را تظاهرات علیه استکبار جهانی می خواند. (همان، ج 21، ص 22) در این تظاهرات مسلمانان کشورهای دیگر شرکت می ‌کردند و یا حداقل نظاره‌گر آن بودند و جرئت مبارزه علیه استکبار را می دیدند. در واقع امام خمینی با این اقدام، استکبار جهانی را در صف مقابل مسلمین جهان بلکه مستضعفان عالم، در گنگره بزرگ حج قرار داد. در مورد برائت از مشرکین در همان زمان حیات امام خمینی، عده ای فکر می کردند که برائت از مشرکین در گنگره حج فائده ای ندارد و می گفتند: در آن کشورها آزادی بیشتر از اینها وجود دارد که با کشتار حجاج خلاف تفکرشان ثابت شده است. (همان ، ص 83 و 84) در واقع، کشتار حجاج در حال برائت از مشرکان برای حفظ سیاست های استکبار و جلوگیری از نفوذ اسلام ناب محمدی(ص) بوده است. (همان، ص 80)

در نهایت، مبتکر و رهبر بزرگترین انقلاب قرن بیستم، امام خمینی، همه مبارزاتش را از عنایت الهی و همت محرومان می دانست. (همان، ج 19، ص 455؛ و ج 17 ص 247)

و خداوند نیز طبق وعده الهی‌اش:"یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ یَنْصُرْکُمْ وَ یُثَبِّتْ أَقْدامَکُمْ". (محمد / 7)

(ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌ کند و گام هایتان را استوار می ‌دارد) یاریش نمود و به پیروزی رساند و به پاس اخلاصش، او را علم بر افراشته مبارزه با استکبار جهانی قرار داد که چهره ‌های سیاسی و مبارز جهان، پایداریش را در برابر استکبار جهانی می ستایند

و او را رهبر همه آزادگان و مبارزان جهان می خوانند. (نخبگان جهان، ص 209؛ و امام و انقلاب در آیینه اندیشه جهان، ص 77،80 و81)

منابع و ماخذ:

1 – قرآن کریم

2 – نهج البلاغه

3 – الامام خمینی ، کتاب البیع، ج 2، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، اول 1379

4 - امام خمینی، ولایت فقیه (حکومت اسلامی)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، دهم 1379

5 - امام خمینی، "شرح حدیث جنود عقل و جهل"، تهران ، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 1385

6- امام خمینی، تفسیر سوره حمد ، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، چهارم 1378

7 – امام خمینی، آداب الصلاَة(آداب نماز)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ششم 1378

8 - مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س)،صحیفه امام: مجموعه آثار(دوره بیست و دو جلدی)، تهران ، 1384

9 – اردبیلی، سید عبدالغنی، تقریرات فلسفه امام خمینی، ج3 (اسفار) ، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ، اول 1381

10 – ابن منظور ، لسان العرب، ج13، بیروت، دار الاحیاء التراث العربیه ، الاولی 1408

11 – امام و انقلاب در آیینه اندیشه جهان، تهیه و تدوین: سازمان بهزیستی مازندران ، قم ، دار

الحسنین ، اول 1369

12 – ابن خلدون، عبدالرحمان، مقدمه ابن خلدون ج 1، مترجم: محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، هشتم 1375

13 – اسکندری، محمدحسین ، مستضعفین و مستکبرین از دیدگاه قرآن و عترت ، مجله نور علم ، شماره 33 ، 1410 ق و شماره 34 اسفند 1368

14 – دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، ج 2 ، تهران، دانشگاه تهران، دوره جدید، اول 1378

15 – سیاح، احمد، فرهنگ بزرگ جامع نوین، تهران، اسلام، نوزدهم 1377

16 – خاتمی، سید محمد، مطبوعات ایران 1343 - 1353، تالیف، برزین، مسعود، تهران، بهجت، 1354

17 – مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران دارالکتاب اسلامیه، دوازدهم 1386

18 – مقدس، علی اصغر، مستکبرین و مستضعفین از دیدگاه امام خمینی، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی و احیاء تفکر دینی ج 2، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، اول 1377

19 – جعفری، سید اصغر، نقش امام در مبارزه با استکبار، نگاهی به سومین سمینار اندیشه های دفاعی امام خمینی ج 1، تهران، دفاع، اول 1378

20 – خامنه ای، سید علی ، چهار سال با مردم، تهران، حزب جمهوری اسلامی، بی تا

21 – فیض کاشانی، ملا محسن، محجة البیضاء، ج 6، قم، دفتر انتشارات اسلامی، اثانیه، بی تا

22 – غزالی، محمد، احیاء العلوم الدین ج 3، بیروت، دارالهادی، الاولی 1412ق

23 – مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مرتضی مطهری ج 15 (فلسفه تاریخ در قرآن)، تهران، صدرا، سوم 1386

24– قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

منبع: نشریه حضور، ش73، به نقل از پرتال امام خمینی